



An Analysis of the Preparatory Commission in International Law

Farhad Derhami

PhD Candidate in International Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: farhad.derhami@gmail.com

Abstract

Between the adoption of the statute of an international organization and the time it enters into force, and the organization is formally established, numerous preparatory measures must be undertaken to ensure the swift and effective commencement of its activities. This responsibility is typically assigned to a Preparatory Commission. However, due to the limited attention given to the legal status of such commissions in international law, several questions may arise: How are these bodies formed? What responsibilities are delegated to them? What powers do they possess? Are Preparatory Commissions considered subsidiary organs of the future organization, or do they enjoy a distinct legal personality? This article aims to explore these issues in light of contemporary international practice, with particular reference to the establishment processes of several major international organizations.

Keywords: Preparatory Commission, International Organization, International Conference, Legal Personality.

بررسی نهاد کمیسیون مقدماتی در حقوق بین الملل

فرهاد درهمی

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: farhad.derhami@gmail.com

چکیده

از زمان انعقاد اساسنامه یک سازمان بین المللی تا زمان لازم الاجرا شدن آن و تأسیس سازمان جدید، اقدامات ضروری بسیاری در راستای مهیا ساختن شرایط شروع سریع و مؤثر فعالیت های سازمان به محض ایجاد آن، باید انجام گیرند. وظیفه تدارک این شرایط معمولاً برعهده یک کمیسیون مقدماتی گذاشته می شود؛ اما به خاطر توجه اندک به جایگاه کمیسیون های مقدماتی در حقوق بین الملل، ممکن است پرسش هایی از قبیل این که گروه های مزبور چگونه ایجاد می شوند و وظایف محول شده به آن ها چه هستند و از چه اختیاراتی برخوردار هستند و این که آیا یک کمیسیون مقدماتی رکن فرعی سازمان جدید محسوب می شود یا این که دارای شخصیت حقوقی منحصر به خود است، مطرح شوند. هدف این مقاله بررسی مسائل بالا در پرتو رویه بین المللی معاصر و با توجه به روند تأسیس چند سازمان برتر بین المللی است.

کلیدواژه ها: کمیسیون مقدماتی، سازمان بین المللی، کنفرانس بین المللی، شخصیت حقوقی.

مقدمه

روابط دوجانبه یا حتی چندجانبه بین دولت‌ها دارای تاریخچه طولانی است؛ اما تأسیس سازمان‌های بین‌المللی^۱ به‌عنوان نهادهایی بین دولت‌ها، اساساً مربوط به اواخر قرن نوزدهم است. روابط کنسولی تدبیر شده در جهت حفاظت از منافع تجاری و روابط دیپلماتیک به نمایندگی از دولت‌ها در سرزمین‌های بیگانه به گذشته‌های دور بازمی‌گردند. هنگامی که مشخص شد روابط دوجانبه براساس سفارتخانه‌های موجود یا مأموریت‌های دیپلماتیک از عهده وضعیت‌های پیچیده موجود میان چندین دولت درگیر برنمی‌آیند؛ باید روشی برای نمایندگی از منافع تمام دولت‌های مربوطه، به‌صورت هم‌زمان و در یک محل تبادل نظر واحد، چاره می‌شد. در نتیجه، اجلاس‌های بین‌المللی به وجود آمدند. نهاد مزبور، کنفرانسی خلق الساعه و موقت تشکیل شده برای یک هدف ویژه بود و به محض این‌که توافق بر سر موضوع مورد بحث حاصل می‌گردید، کنفرانس خاتمه می‌یافت (Amerasinghe, 2005, p. 1-2). اما سامانه کنفرانس‌های خلق الساعه هم در ارتباط با نتایج و هم ظرفیت دارای محدودیت بود^۲. از این‌رو، در قرن نوزدهم میلادی و به‌ویژه در نیمه دوم آن اتحادیه‌هایی با ماهیت بین‌المللی، در راستای همکاری میان دولت‌ها در حوزه مسائل فنی و نه سیاسی به وجود آمدند. اتحادیه‌های مزبور که دارای میزانی از ثبات بودند به فعالیت‌های فنی غیرسیاسی می‌پرداختند. به تدریج با گسترش این اتحادیه‌ها، دولت‌ها به قابلیت‌های سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان ابزاری برای افزایش منافع مشترک میان خود آگاه شدند. این امر در سال ۱۹۱۹ میلادی منجر به تأسیس جامعه ملل، سازمانی سیاسی با ماهیتی باز و جهانی گردید. از آن زمان، سازمان‌های بین‌دولت‌ها تبدیل به نهادی ثابت و بسیار تأثیرگذار در روابط بین‌المللی شده‌اند؛ رخدادی که با تأسیس سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی^۳ آن به اوج خود رسیده است (Amerasinghe, 2005, p.5).

با این وجود، تأسیس یک سازمان بین‌المللی پیچیده و دشوار است؛ چراکه اقدامات بسیاری قبل از این‌که یک سازمان بین‌المللی متولد گردد؛ باید انجام شوند. در اینجاست که گروه‌های مقدماتی می‌توانند به‌عنوان یک وسیله فوق‌العاده مفید به‌کار

1. International Organization(s)

۲. مثلاً برای هر مسئله جدیدی یک کنفرانس باید از نو تشکیل می‌شد. این کنفرانس‌ها بیشتر به صحنه‌ای برای اعلام سیاست‌های دولت‌ها به جای محلی برای تبال نظر و تصمیم‌گیری تبدیل شده بودند، اصولی درباره عضویت دولت‌ها در کنفرانس‌ها وجود نداشت و این امر وابسته به اراده دولت یا دولت‌های برگزارکننده بود، شیوه رأی‌گیری معمولاً در این کنفرانس‌ها بر اساس اصل برابری حاکمیت‌ها اتفاق‌آرا بود که رسیدن به توافق را با مشکل مواجه می‌ساخت، همچنین کنفرانس‌های مزبور مربوط به و مناسب برای، مسائل سیاسی بودند و نه عموماً موضوعات حقوقی.

3. Specialized Agencies



گرفته شوند. متأسفانه در ادبیات حقوقی توجه ناچیزی به موضوع کمیسیون‌های مقدماتی شده است؛ از این رو، این مقاله سعی دارد با بررسی چگونگی ایجاد، وظایف و اختیارات، جایگاه و وضعیت حقوقی کمیسیون‌های مقدماتی موجب شناخت در این زمینه شود. در قسمت نخست، به مسائل عمومی پیرامون کمیسیون‌های مقدماتی و در قسمت دوم با مطالعه موردی به رویه موجود در خصوص ایجاد کمیسیون مقدماتی برای برخی از سازمان‌های مهم بین‌المللی پرداخته خواهد شد.

۱. کاروبژه کمیسیون‌های مقدماتی

شرط لازم برای تأسیس یک سازمان بین‌المللی وجود اراده میان تعدادی دولت برای همکاری با یکدیگر است. اراده مزبور در زمانی که روشن است همکاری بین‌المللی در زمینه مربوطه مثمر ثمر خواهد بود، به آسانی برانگیخته می‌شود. در این وضعیت هزینه‌های مالی ممکن است تنها مانع مشارکت دولت‌ها در ایجاد یک سازمان بین‌المللی باشد. با این وجود، هر زمان که اراده همکاری میان تعدادی از دولت به وجود آید؛ اقدامات به خصوصی نیاز است که در راستای تأسیس سازمان اتخاذ شوند. در مجموع یک سازمان بین‌المللی زمانی متولد می‌شود که معاهده بین‌المللی حاوی اساسنامه^۱ آن لازم‌الاجرا^۲ گردد؛ اما تا رسیدن آن تاریخ گام‌های اولیه بسیاری باید برداشته شوند. در ابتدا، معمولاً کنفرانسی متشکل از دولت‌ها که برای آن صورت‌جلسات موقتی باید آماده گردد؛ برای تأسیس سازمان جدید تشکیل خواهد شد. این قبیل وظایف ابتدایی عموماً به وسیله یک یا دو دولت یا یک سازمان بین‌المللی از پیش موجود انجام می‌گیرند (Schemers & Blokker, 2011, p.1040).

حتی بعد از فرجام موفقیت‌آمیز کنفرانس مزبور یعنی زمانی که متن اساسنامه سازمان بین‌المللی در نهایت مورد تصویب دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس قرار گرفت؛ هنوز دوره مقدماتی پایان نیافته است. لازم‌الاجرا شدن اساسنامه سازمان ممکن است چندین ماه یا حتی چندین سال^۳، زمان نیاز داشته باشد. در مواقعی اساسنامه یک سازمان بین‌المللی ممکن است هرگز لازم‌الاجرا نگردد. مثال برجسته در این خصوص، سازمان بین‌المللی تجارت (منشور ۱۹۴۸ هاوانا) است؛ اساسنامه سازمان مزبور مورد قبول آمریکا قرار نگرفت؛ زیرا سنای آن کشور از تصویب آن خودداری کرد؛

1. Statute

2. Enter into force

۳. در این خصوص می‌توان به سازمان بین‌الدولی مشورتی دریایی IMCO (اکنون سازمان بین‌المللی دریایی IMO) که ده سال لازم‌الاجرا شدن سند مؤسسه‌ش زمان برد، اشاره کرد.

چراکه به اعتقاد سنا، این اساسنامه به حد کافی آزادی تجارت و مبادلات را تضمین نمی‌کرد؛ از سوی دیگر اساسنامه مزبور با استقبال کشورهای دیگر هم مواجه نشد و به همین جهت «سازمان جهانی تجارت» براساس منشور هاوانا هرگز ایجاد نشد (بیگزاده، ۱۳۹۱: ۶۵۸). درخصوص تأسیس یک سازمان بین‌المللی جدید، همواره ممکن است اقدامات مقدماتی مهمی در راستای قادر ساختن سازمان به آغاز فعالیت‌های خود به‌محض ایجاد آن نیاز باشد. برخی از کنفرانس‌های مربوط به تأسیس یک سازمان بین‌المللی جدید این قبیل وظایف را به دولت‌های شرکت‌کننده‌ای که مایل به انجام آن‌ها هستند واگذار می‌کنند؛ درحالی‌که برخی دیگر کمیسیونی مقدماتی جهت انجام وظایف مهم ذکرشده ایجاد می‌کنند (Schemers & Blokker, 2011, p. 1041). رویکرد اخیر، بعد از تصویب اساسنامه یک سازمان بین‌المللی جدید در کنفرانسی که بدین منظور تشکیل شده است و در راستای انجام مقدمات اولیه تا قبل از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه مزبور، به‌صورت گسترده‌ای به کار گرفته می‌شود. یک کمیسیون مقدماتی درواقع نهادی موقت است که وظیفه‌اش مهیا ساختن زمینه‌های حقوقی و عملی لازم برای ایجاد یک سازمان بین‌المللی در جهت قادر ساختن آن به شروع فعالیت فوری و بدون هرگونه تأخیر غیرموجهی به‌محض تأسیسش، یعنی بلافاصله پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده حاوی اساسنامه است (Mertsch, 2012, p.17).

۲. وظایف و اختیارات کمیسیون‌های مقدماتی

این موضوع که دولت‌ها خواستار تأسیس چه نوع سازمان بین‌المللی جدیدی هستند و این‌که سازمان مزبور قرار است در چه زمینه‌هایی فعالیت کند؛ تأثیر فراوانی بر وظایف و اختیارات کمیسیون مقدماتی مربوطه خواهد داشت. برای مثال، ازجمله وظایف کمیسیون مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی^۱ تهیه آیین دادرسی دیوان و تعیین عناصر جرائم ذکرشده در اساسنامه دیوان مزبور بود. همچنین، این امر که دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس مربوط به تأسیس سازمان جدید تا چه میزانی بر سر مسائل گوناگون مرتبط به ایجاد یک سازمان بین‌المللی توافق کرده‌اند؛ اثر مستقیمی بر گستره وظایف و اختیارات کمیسیون مقدماتی خواهد داشت. به‌طورمعمول، وظایف و اختیارات یک کمیسیون مقدماتی شامل تهیه پیش‌نویس صورت‌جلسه و پیش‌نویس برای نخستین نشست ارکان مختلف سازمان بین‌المللی جدید، استخدام کارکنان دبیرخانه، ارائه پیشنهادهایی درخصوص شیوه انتخاب مقامات یا محل استقرار سازمان جدید،

1. International Criminal Court (ICC)



پیدا کردن ساختمان‌های مورد نیاز، تهیه پیش‌نویس بودجه، تنظیم پیش‌نویس‌های مربوط به نظامنامه‌های مالی و استخدامی، تهیه پیش‌نویس موافقت‌نامه مقرر یا موافقت‌نامه‌های مدل (بسته به حوزه فعالیت سازمان) و هر وظیفه یا مسئولیت دیگری که انجام آن قبل از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه سازمان می‌تواند سودمند باشد، می‌گردد (Mertsch, 2012, p.17). برای نمونه، اگرچه یک مجموعه نظارتی به وجود آمده تحت یک معاهده بین‌المللی به صورت رسمی نمی‌تواند قبل از لازم‌الاجرا شدن معاهده مزبور تشکیل گردد و به مسئولیت‌های نظارتی خود بپردازد؛ اما مطلوب است که قبل از لازم‌الاجرا شدن سند مؤسس آن، پیش‌نویس آیین کاری ارکان آن تهیه شده باشد؛ کارکنانش استخدام شده و از آموزش‌های لازم شغلی برخوردار باشند؛ محوطه ساختمانی تعیین شده باشد و احتمالاً از همه مهم‌تر ترتیبات مالی‌اش حداقل برای نخستین سال فعالیت آن مشخص شده باشد (Aust, 2000, p.141). در صورتی که دولت‌های مؤسس سازمان جدید لازم بدانند؛ کمیسیون مقدماتی مربوطه می‌تواند از مساعدت یک دبیرخانه موقت یا هر رکن موقت دیگری که در راستای انجام وظایف و مسئولیت‌های محول شده به آن مورد نیاز است؛ برخوردار گردد (Mertsch, 2012, p.17).

۳. تأسیس یک کمیسیون مقدماتی و اعضای آن

از آنجایی که تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی برای هر موضوعی از جمله مذاکره به منظور تأسیس یک سازمان جدید و ادامه برگزاری آن از جنبه‌های مختلف دشوار است؛ کنفرانس‌های مزبور معمولاً برای دوره کوتاهی تشکیل می‌شوند. این محدود بودن زمان برگزاری کنفرانس از یک طرف و پیچیده و گسترده بودن مسائل پیرامون تأسیس یک سازمان بین‌المللی جدید از طرفی دیگر موجب می‌گردد که دولت‌ها نتوانند راجع به تمام مسائل مزبور مذاکره و توافق کنند؛ در نتیجه ممکن است تصمیم به ایجاد یک کمیسیون مقدماتی در جهت تکمیل مسائل باقی‌مانده در خصوص تأسیس سازمان جدید بگیرند.

توافق درباره ایجاد، ترکیب اعضا، وظایف و اختیارات، امور مربوط به بودجه و دیگر موارد مرتبط به گروه‌های مقدماتی اغلب در موافقت‌نامه‌ای جداگانه نسبت به معاهده اساسنامه سازمان جدید که نیازی هم به تصویب آن‌ها توسط دولت‌ها نیست؛ تصریح شده است (Schemers & Blokker, 2011, p.1042). این توافق معمولاً در مراحل پایانی کنفرانسی که به منظور تأسیس سازمان جدید تشکیل شده، در قالب یک قطعنامه^۱ یا

سند نهایی^۱ حاصل می‌گردد. برای نمونه، ترکیب اعضا، وظایف و مسئولیت‌ها و دیگر موارد مربوط به کمیسیون مقدماتی سازمان جهانی سلامت^۲، در قطعنامه‌ای که توسط دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی سلامت تصویب گردید؛ ذکر شده بودند. قطعنامه مزبور که درواقع سند مؤسس کمیسیون مقدماتی سازمان جهانی سلامت محسوب می‌گردد از روز امضا نسبت به دولت امضاکننده لازم‌الاجرا می‌گردد.

در مواردی ممکن است دولت‌های مذاکره‌کننده در راستای لازم‌الاجرا شدن سند مؤسس کمیسیون مقدماتی شرایطی را مقرر کنند. در این خصوص می‌توان به کمیسیون مقدماتی سازمان بین‌المللی پناهندگان^۳ اشاره کرد. موافقت‌نامه مربوط به ایجاد کمیسیون مقدماتی مزبور جهت لازم‌الاجرا شدن و آغاز فعالیت کمیسیون باید حداقل از سوی هشت نماینده دولت امضاکننده اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان امضا می‌شد. البته این امر مانعی جدی در مقابل ایجاد و آغاز فعالیت کمیسیون‌های مقدماتی محسوب نمی‌گردد؛ چراکه استقبال از کمیسیون‌های مزبور بر مبنای هدف ایجاد آن‌ها همواره از سوی دولت‌ها قاطع بوده است. درواقع، این موافقت‌نامه جداگانه که مبنای حقوقی کمیسیون مقدماتی محسوب می‌شوند؛ با مهیا ساختن زمینه‌های حقوقی و عملی لازم جهت شروع به کار فوری سازمان، دوره زمانی تصویب اساسنامه سازمان بین‌المللی جدید تا زمان لازم‌الاجرا شدنش را پوشش می‌دهد. ضرورت تأسیس یک کمیسیون مقدماتی، به‌خصوص هنگامی که یک معاهده بین‌المللی سازمان جدیدی ایجاد می‌کند که باید قادر باشد پس از لازم‌الاجرا شدن سند تأسیس سازمان بلافاصله شروع به کار کند؛ بسیار حائز اهمیت است (Aust, 2000) برای مثال، کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید، انباشت و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها در سال ۱۹۹۳ میلادی منعقد و در سال ۱۹۹۷ لازم‌الاجرا شد. کنوانسیون مزبور حاوی تعهداتی درباره ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی و مجموعه‌ای از اقدامات تأیید^۴، مقرر شده در مواد ۳، ۴، ۵ و ۶ کنوانسیون، برای دولت‌ها است^۵ همچنین در ماده ۸ کنوانسیون مزبور ایجاد یک سازمان بین‌المللی که هم‌زمان با لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون به وجود می‌آید؛ برای نظارت بر اجرای مقررات آن با نام سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی پیش‌بینی شده است.

1. Final act

2. World Health Organization (WHO)

3. International Refugee Organization (IRO)

4. Verification measures

۵. قابل توجه است اشاره شود که در واقع کنوانسیون ممنوعیت توسعه و ... اولین معاهده چندجانبه کنترل سلاح است که هدفش از بین بردن کامل دسته‌ای از سلاح‌های کشتار جمعی تحت شبکه‌ای عمومی از کنترل بین‌المللی می‌باشد.



استقرار و شروع به کار چنین رژیم تأیید پیچیده‌ای به همان میزان نیازمند آماده‌سازی‌های پیچیده است. در راستای ایجاد اعتماد در سامانه و تضمین پیروی از کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید، انباشت و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها از همان ابتدا ضروری بود که این آماده‌سازی‌ها تکمیل گردند و تضمین شود که سامانه هنگام لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون مزبور به صورت گسترده آماده نظارت است. بنابراین، همان‌طور که هنگام تأسیس یک سازمان مهم بین‌المللی جدید معمول است؛ دولت‌های مؤسس، تصمیم به ایجاد یک کمیسیون مقدماتی متشکل از تمام دولت‌های امضاکننده کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید، انباشت و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها، جهت انجام مقدمات ضروری قبل از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون مزبور گرفتند (Michie, 2005, p.365).

اعضای کمیسیون‌های مقدماتی معمولاً شامل نمایندگانی از تمام دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس مربوط به تأسیس سازمان جدید یا نمایندگان دولت‌های امضاکننده اساسنامه سازمان جدیدی که در کنفرانس تصویب گردیده، است؛ در رویه بین‌المللی حاضر درخصوص ایجاد کمیسیون‌های مقدماتی مورد اخیر بیشتر مشاهده می‌شود. البته در مواردی دولت‌های مذاکره‌کننده اعضای کمیسیون‌های مقدماتی را نیز در سند مؤسس آن‌ها ذکر کرده‌اند. برای مثال، دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس جهانی سلامت در سند مؤسس کمیسیون مقدماتی سازمان جهانی سلامت از هجده کشوری نام بردند که از حق داشتن نماینده در کمیسیون مقدماتی مزبور برخوردار بودند و از این‌رو تعداد اعضای کمیسیون را محدود کردند.

۴. جایگاه و شخصیت حقوقی کمیسیون‌های مقدماتی

مسئله جایگاه و شخصیت حقوقی^۱ کمیسیون‌های مقدماتی در حقوق بین‌المللی همچنان مبهم است. اگرچه دیوان بین‌المللی دادگستری^۲ از فرصت رجوع به کارهای کمیسیون مقدماتی سازمان ملل متحد به‌طور برجسته در قضیه نظر مشورتی درباره نامیبیا^۳ برخوردار بوده؛ اما از دیوان درخواستی برای اظهارنظر درخصوص جایگاه و شخصیت حقوقی کمیسیون مزبور صورت نگرفته بود؛ در نتیجه دیوان نیز به این موضوع

۱. منظور شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌باشد. هر نظام حقوقی باید تعیین کند که به چه شخصی حقوق و تکالیف مقرر شده در خود را نسبت می‌دهد و اقدامات چه اشخاصی را با قائل شدن پیامدهای حقوقی برای آنها مورد توجه قرار می‌دهد.

2. International Court of Justice (ICJ)

3. Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia, Advisory Opinions, I.C.J. Reports 1971

اشاره‌ای نداشت. ابهام اساسی درخصوص برخورداری کمیسیون مقدماتی از یک شخصیت حقوقی متمایز و جدا از شخصیت حقوقی سازمان جدیدی است که مقدم بر آن به وجود می‌آید. به عبارتی دیگر، آیا یک کمیسیون مقدماتی سازمانی بین‌المللی با حقوق و اختیارات خاص خود محسوب می‌گردد یا این‌که تنها رکنی فرعی از یک سازمان بین‌المللی است؟ (Michie, 2006, p. 53).

به‌صورت کلی از پنج ویژگی اصلی در راستای متمایز ساختن سازمان‌های بین‌المللی از دیگر بازیگران بین‌المللی نام برده می‌شود. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: یک سازمان بین‌المللی اغلب به‌وسیله نوعی موافقت‌نامه بین‌المللی بین دولت‌ها به وجود می‌آید؛ دارای سندی به‌عنوان اساسنامه است؛ برخوردار از ارکانی مجزا از دولت‌های عضو خود است؛ تحت مقررات حقوق بین‌المللی تأسیس شده است و در نهایت این‌که عموماً ولی نه همیشه، اعضایش تنها دولت‌ها هستند (Amerasinghe, 2005, p.10). این موضوع که آیا یک کمیسیون مقدماتی خاص یک سازمان بین‌المللی محسوب گردد و این‌که آیا از ویژگی‌های اساسی ذکرشده پیروی می‌کند یا خیر، به مفاد موافقت‌نامه مربوط به ایجاد آن و تصمیمات و عملکرد بعدی دولت‌های مؤسس بستگی خواهد داشت. براساس رویه بین‌المللی مربوط به ایجاد کمیسیون‌های مقدماتی، می‌توان ادعا کرد که بسیاری از آن‌ها به‌آسانی از شرایط ذکرشده پیروی می‌کنند.

کمیسیون‌های مقدماتی به‌وسیله موافقت‌نامه‌ای بین دولت‌ها، (اغلب موافقت‌نامه ساده)^۱ ایجاد می‌شوند؛ آن‌ها دارای اساسنامه‌ای هستند که در آن به وظایف و اختیاراتشان تصریح شده است؛ کمیسیون‌های مقدماتی دارای ارکانی مجزا از دولت‌های عضو خود و سازمانی که بر آن تقدم یافته‌اند، هستند. آن‌ها تحت حقوق بین‌الملل و نه حقوق داخلی تأسیس می‌شوند و در آخر این‌که اعضای کمیسیون‌های مقدماتی اغلب تنها دولت‌ها هستند (Michie, 2006, p.54). بنابراین، هنگامی که یک کمیسیون مقدماتی برخوردار از تمام ویژگی‌های ذکرشده باشد؛ یک سازمان بین‌المللی محسوب خواهد گردید. حال که جایگاه کمیسیون‌های مقدماتی در حقوق بین‌الملل روشن شد؛ به مسئله شخصیت حقوقی بین‌المللی آنان خواهیم پرداخت. شخصیت حقوقی یکی از مفاهیم بحث‌انگیز موجود در حقوق بین‌الملل است که اصولاً به‌منظور ایجاد تمایز بین نهادهایی که جزئی از نظام حقوق بین‌الملل و آن‌هایی که خارج از آن هستند؛ به‌کار گرفته می‌شود. درحالی‌که توافق همگانی درباره شخص حقوق بین‌المللی بودن دولت‌ها وجود دارد؛ اما این‌که آیا و مطابق با چه معیارهایی دیگر نهادها می‌توانند



شخص حقوق بین‌الملل محسوب گردند و چه پیامدهایی چنین وضعیت حقوقی‌ای در پی دارد، حل نشده است (Portman, 2010, p. 1).

معتبرترین اظهاریه در حقوق بین‌الملل درباره مفهوم شخصیت حقوقی بین‌المللی، تعریف شناخته‌شده دیوان در نظر مشورتی «قضیه جبران خسارت به کارکنان سازمان ملل» است: «یک شخص بین‌المللی ... قادر به تصاحب حقوق و تکالیف بین‌المللی است و ... اهلیت دارد که حقوقش را به‌وسیله طرح دعوی بین‌المللی حفظ نماید» (I.C.J Reports, 1949, cited in Portman, 2010:9).

حقوق بین‌الملل، سامانه قواعد و مقرراتی است که در درجه نخست شامل دولت‌ها می‌شود. تا قرن نوزدهم تنها دولت‌ها در حقوق بین‌الملل دارای شخصیت حقوقی بودند و تابع حقوق بین‌الملل (یا صاحب حق و تکلیف) به شمار می‌رفتند؛ اما از قرن بیستم جامعه بین‌المللی به حقوق و تکالیف اشخاص دیگری از جمله سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های فراملی، جنبش‌های آزادی‌بخش و در برخی موارد افراد توجه کرده است. دولت‌ها در حقوق بین‌الملل از اهلیت حقوقی کامل برخوردارند؛ برخلاف اشخاص دیگر حقوق بین‌الملل که اهلیتشان وابسته به وظایفی است که بر عهده آن‌ها واگذار شده است. بنابراین شخصیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل اصلی و شخصیت حقوقی اشخاص دیگر، تبعی و ناشی از دولت‌ها است (مقتدر، ۱۳۷۳: ۴۳). درحالی‌که شخصیت حقوقی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأسیسی سازمان‌های بین‌المللی محسوب می‌شود؛ اختلاط میان دو نهاد دولت و سازمان بین‌المللی و به‌طور دقیق‌تر میان حاکمیت و شخصیت حقوقی، چندین ده شناخت شخصیت حقوقی را برای سازمان‌های بین‌المللی با مشکل مواجه کرده بود^۱. اما این وضعیت رفته‌رفته تغییر کرد. این تغییر ناشی از فهم این نکته بود که نهادی می‌تواند شخصیت حقوقی داشته باشد؛ بدون آنکه حاکم باشد. گستره این شخصیت حقوقی هم می‌تواند محدود به اختیارات و اشتغالات آن نهاد باشد (بیگزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۶-۱۱۵). اگرچه امروزه اختلاف نظر زیادی در مورد برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از شخصیت حقوقی وجود ندارد؛ اما در مورد منشأ آن اتفاق نظر ملاحظه نمی‌شود. عده‌ای بر این باورند که شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌ها را باید در سند مؤسس آن‌ها جست؛ زیرا سازمان‌ها مخلوق اعضای خود هستند. برخی دیگر از صاحب‌نظران با اشاره به این نکته که اگر معاهده مؤسس تنها منبع شخصیت

۱. ظاهراً تأیید شخصیت بین‌المللی سازمان‌ها از آن روی با مخالفت روبرو می‌شد که به اشتباه شخصیت بین‌المللی و دولت بودن را معادل هم می‌انگاشتند. دیوان بین‌المللی دادگستری با وقوف به این نگرانی‌ها و برداشت‌های نادرست، در رأی مشورتی سال ۱۹۴۹ خویش اظهار داشت که برخورداری سازمان ملل از شخصیت حقوقی بین‌المللی یقیناً به معنای آن نیست که سازمان یک دولت است (زمانی، ۱۳۹۳، پانویس شماره ۷ صفحه ۴۷).

بین المللی سازمان باشد؛ اعتبار و تأثیر شخصیت سازمان در قبال دولت های غیر عضو جداً مورد تردید قرار خواهد گرفت؛ زیرا اصولاً معاهده نمی تواند بدون رضایت دولت های ثالث تعهداتی برای آن ها ایجاد کند. سازمان های بین المللی به محض ایجاد و بدون نیاز به عاملی دیگر، بر مبنای حقوق بین الملل عرفی از شخصیت بین المللی عینی و اهلیت حقوقی ذاتی برخوردار می شوند (زمانی، ۱۳۹۳: ۴۹-۴۸).

افزون بر این دیدگاه ها، برخی دیگر از صاحب نظران در احراز شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی، به نوع عملکرد و اشتغال های آن ها توجه نشان داده اند. با توجه به تمام این تفاسیر می توان نتیجه گرفت که سازمان های بین المللی اشخاص حقوق بین المللی و برخوردار از شخصیت حقوقی بین المللی هستند؛ اما نه به صورت خود به خودی، بلکه به لحاظ آنکه این وضعیت به صورت صریح یا ضمنی با آن ها اعطا شده یا در عمل از چنین شخصیتی برخوردار شده اند. بنابراین اگر سازمان بین المللی می تواند معاهده منعقد کند؛ روابط دیپلماتیک داشته باشد و نیروهای بین المللی اعزام نماید؛ همگی در سایه برخورداری از شخصیت حقوقی بین المللی امکان پذیر شده است (زمانی، ۱۳۹۳: ۵۲-۵۱).

سازمان های بین المللی دولت نیستند؛ بنابراین برخلاف دولت ها، دارای شخصیت حقوقی ذاتی و یکسان نیز نیستند. بنابراین، برای پی بردن به محتوای شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی باید به سند مؤسس آن ها مراجعه کرد (بیگزاده، ۱۳۹۱: ۱۲۳-۱۲۲) که ممکن است به صراحت این موضوع اشاره شده باشد یا به صورت ضمنی برخورداری سازمان از شخصیت حقوقی را برداشت کرد. برای مثال، در ماده ۴ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری صریحاً تصریح شده که دیوان مزبور دارای شخصیت حقوقی بین المللی است. با این حال، حتی اگر مقرره ای قراردادی به سازمانی خاص شخصیت بین المللی اعطا کند؛ تحصیل شخصیت حقوقی به ایجاد واقعی و عینی آن سازمان بستگی دارد. از سوی دیگر، اگر سند مؤسس یک سازمان به صراحت به آن شخصیت حقوقی اعطا نکرده باشد؛ این بدان معنا نیست که سازمان شخصیت بین المللی ندارد. در این خصوص دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «جبران خسارت به کارکنان سازمان ملل» اعلام کرد: «افزایش فعالیت جمعی دولت ها منجر به ایجاد نهادهایی شده است که دولت نیستند. این تحول سرانجام به ایجاد سازمان ملل متحد در ژوئن ۱۹۴۵ انجامید که هدف و اصول آن در منشور معین شده است؛ ولی برای حصول این هدف ها انتساب شخصیت بین المللی به سازمان اجتناب ناپذیر است. مفاد منشور سازمان ملل را فقط مرکزی برای هماهنگ کردن اعمال دولت ها در راه حصول هدف های مشترک



ایجاد نکرده است؛ رویه، به‌ویژه انعقاد کنوانسیون‌هایی که سازمان ملل یک‌طرف آن است، این خصوصیت سازمان را تأیید کرده که جایگاهی جدا از اعضا دارد. کنوانسیون ۱۹۴۶ درباره مزایا و مصونیت‌ها، حقوق و وظایفی را بین امضاکنندگان کنوانسیون و سازمان ملل به وجود می‌آورد. این کنوانسیون نمی‌تواند جز در سطح بین‌المللی و بین طرف‌هایی که دارای شخصیت حقوقی هستند، اجرا شود؛ بنابراین دیوان به این نتیجه رسیده است که سازمان ملل متحد یک شخص بین‌المللی است؛ منظور این است که سازمان یک تابع حقوق بین‌الملل است و اهلیت دارا شدن حقوق و تکالیف بین‌المللی را دارد و نیز اهلیت دارد که حقوقش را به‌وسیله طرح دعوا حفظ نماید» (I.C.J. Reports, 1949:178-179).

بنابراین، برای برخورداری یک سازمان از شخصیت حقوقی بین‌المللی نیازی نیست که صریحاً به این موضوع در اساسنامه سازمان مربوطه تصریح شده باشد؛ بلکه یک سازمان ممکن است با توجه به اختیارات، اهداف و اشتغالات خود شخص حقوق بین‌المللی محسوب گردد. در کل به نظر می‌رسد توصیف سازمان به‌عنوان شخص حقوق بین‌الملل اصولاً امری موضوعی است تا حکمی (زمانی، ۱۳۹۳: ۵۳). به عبارت دیگر، شخصیت هر سازمان بین‌المللی نه به یک‌باره، بلکه به تدریج و از طریق فنون و روش‌های مبتکرانه برای نزدیک کردن دولت‌ها به یکدیگر و ایجاد هم‌بستگی میان آن‌ها ساخته می‌شود (فلسفی، ۷۳-۱۳۷۲: ۴۸).

اکنون، دوباره به مسئله برخورداری کمیسیون‌های مقدماتی از شخصیت حقوقی برمی‌گردیم. با ملاحظه مطالب ذکرشده و توجه به این نکته که غالب کمیسیون‌های مقدماتی، سازمان بین‌المللی محسوب می‌گردند؛ می‌توان نتیجه گرفت که کمیسیون‌های مزبور اصولاً دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند که این موضوع ممکن است صریحاً در موافقت‌نامه مربوط به ایجاد آن‌ها اشاره شده باشد یا به‌صورت ضمنی از آن برداشت شود. برای مثال، هنگامی که به کمیسیون مقدماتی سازمان بین‌المللی تجارت^۱ صلاحیت انعقاد معاهدات بین‌المللی اعطا شده بود؛ نمی‌توان مدعی شد که کمیسیون مزبور، به خاطر عدم تصریح در اساسنامه‌اش در این خصوص، برخوردار از شخصیت حقوقی بین‌المللی نبوده است. البته این نتیجه‌گیری که اغلب کمیسیون‌های مقدماتی، سازمان بین‌المللی با

۱. همانطور که قبلاً اشاره شد سازمان مزبور هرگز تأسیس نگردید، با این وجود یک کمیسیون مقدماتی برای مهیا ساختن زمینه‌های تأسیس آن توسط دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس سازمان ملل درباره تجارت و اشتغال که در آن اساسنامه سازمان بین‌المللی تجارت تصویب گردید، پیش‌بینی شده بود.

حقوق و تکالیف خاص خود محسوب می‌گردند؛ ممکن است براساس این استدلال که یک سازمان بین‌المللی تنها می‌تواند به‌وسیله معاهده‌ای تأسیس شود که نیاز به تصویب یا دیگر شیوه‌های پذیرش دارد، مورد تردید قرار گیرد؛ اگر کمیسیون‌های مقدماتی درواقع سازمان بین‌المللی باشند؛ ایجاد آن‌ها به‌وسیله موافقت‌نامه‌های ساده، از قبیل قطعنامه‌های کنفرانس‌های بین‌المللی، آشکارا الزامات حقوق اساسی برخی از دولت‌ها برای انعقاد معاهدات بین‌المللی را نقض خواهد کرد (Michie, 2006, p.54).

مشکل استدلال بالا این است که مطابق با رویه فعلی دولت‌ها نیست و به‌مثابه مداخله‌ای غیرموجه در آزادی عمل آنان خواهد بود. تاکنون دولتی مدعی نشده است که اراده‌اش در پیوستن به موافقت‌نامه‌ای برای ایجاد یک کمیسیون مقدماتی برخلاف مقررات حقوق داخلی‌اش در ارتباط با صلاحیت انعقاد معاهدات بین‌المللی ابراز شده است.^۱ این امر احتمالاً به این خاطر است که نمایندگان دولت‌ها همیشه در چهارچوب اختیارات خود عمل کرده‌اند یا به‌احتمال بیشتر، به این خاطر که دولت‌ها اسنادی از قبیل قطعنامه‌ها را معاهده یا حداقل معاهده‌ای که قبل از ابراز نهایی اراده دولت در پیوستن به آن نیاز به پذیرش تحت حقوق داخلی داشته باشد، قلمداد نمی‌کنند.

بنابراین، درحالی‌که رویه معمول درخصوص سازمان‌های بین‌المللی تأسیس آن‌ها به‌وسیله معاهدات بین‌المللی است؛ به نظر نمی‌رسد که حقوق بین‌الملل تأسیس این قبیل سازمان‌ها را تنها به‌وسیله معاهدات بین‌المللی ضروری دانسته باشد؛ چه رسد به این که آن‌ها تنها باید به‌وسیله معاهداتی که موضوع تصویب، پذیرش، قبول یا الحاق هستند، تأسیس گردند. اگرچه معمول‌ترین شکل توافق درباره ایجاد یک سازمان بین‌المللی معاهدات بین‌المللی هستند؛ اما توافق مزبور می‌تواند به اشکال دیگری ازجمله قطعنامه یک کنفرانس نیز ابراز شود. برای مثال، سازمان کشورهای صادرکننده نفت^۲ براساس قطعنامه‌ای در کنفرانس سال ۱۹۶۰ بغداد ایجاد شد یا سازمان توسعه صنعتی ملل متحد^۳ در سال ۱۹۶۶ و براساس قطعنامه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد تشکیل شد.

درنتیجه، این که سند مؤسس یک کمیسیون مقدماتی معاهده بین‌المللی قلمداد می‌شود یا خیر، مستقیماً به این مسئله که کمیسیون مقدماتی مزبور برخوردار از

۱. در این زمینه بند ۱ ماده ۴۶ کموانسیون ۱۹۶۹ وین درباره حقوق معاهدات تصریح می‌کند: «هیچ دولتی نمی‌تواند با این عذر که رضایتش در پیوستن به معاهده ناقض قانون داخلی مربوط به صلاحیت انعقاد معاهدات بوده است، به معیوب بودن رضایت خویش استناد کند؛ مگر آنکه تخلف بارز بوده و قانونی را نقض کرده باشد که دارای اهمیت اساسی است.»

2. Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC)

3. United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)



شخصیت حقوقی بین‌المللی است و می‌توان آن را به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی طبقه‌بندی کرد یا خیر ارتباطی ندارد. اگر سند مؤسس کمیسیون مقدماتی معاهده بین‌المللی باشد می‌تواند ادعای سازمان بین‌المللی بودن و برخورداری آن از شخصیت حقوقی را تقویت کند؛ اگر سند مؤسس معاهده بین‌المللی نباشد؛ این امر نمی‌تواند کمیسیون مقدماتی را بدین خاطر به چیزی کم‌تر از یک سازمان بین‌المللی مبدل کند (Michie, 2006, p. 55). در نهایت باید به این موضوع اشاره شود که کمیسیون‌های مقدماتی معمولاً تنها برای دوره زمانی کوتاهی تا زمان لازم‌الاجرا شدن اساسنامه سازمان جدیدی که زمینه‌های شروع به کارش را کمیسیون‌های مزبور باید مهیا سازند؛ به فعالیت می‌پردازند. طبق رویه بین‌المللی، در سند مؤسس کمیسیون‌های مقدماتی به زمان انحلال آن‌ها صریحاً تصریح می‌گردد. این زمان ممکن است انتخاب یکی از مقامات سازمان برای نمونه دبیر کل آن، در مورد کمیسیون مقدماتی سازمان بین‌المللی پناهندگان و کمیسیون مقدماتی سازمان ملل متحد یا انتخاب اعضای یکی از ارکان سازمان، در مورد کمیسیون مقدماتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^۱ یا پایان نخستین نشست مجمع دولت‌های عضو سازمان جدید، در مورد کمیسیون موقت مقام بین‌المللی بستر دریاها^۲ و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها^۳ باشد.

۵. رویه بین‌المللی در خصوص ایجاد کمیسیون‌های مقدماتی

در ادامه با بررسی کمیسیون‌های مقدماتی مربوط به چند سازمان مهم بین‌المللی از قبیل سازمان ملل متحد، مقام بین‌المللی بستر دریاها و دیوان بین‌المللی دریاها، دیوان بین‌المللی کیفری و سازمان منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای^۴، رویه بین‌المللی در خصوص چگونگی ایجاد، وظایف، اختیارات و دیگر ابعاد مرتبط با کمیسیون‌های مقدماتی را به‌صورت موردی جهت شناخت بیشتر از این نهاد تأثیرگذار در روابط بین‌المللی مطالعه بررسی می‌شود.

۱. در بند A سند مؤسس کمیسیون موقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که ضمیمه اساسنامه آژانس می‌باشد، تصریح شده است که کمیسیون مزبور با لازم‌الاجرا شدن اساسنامه آژانس و بعد از آن تشکیل کنفرانس عمومی و انتخاب اعضای شورای حکام آژانس منحل خواهد شد.

2. International Seabed Authority (ISA)

3. International Tribunal for the Law of the Sea

4. Comprehensive Test Ban Treaty Organization (CTBTO)

۵-۱. کمیسیون مقدماتی سازمان ملل متحد

بشر برای دومین بار بر ویرانه‌های جنگ جهانی دیگری بنای یک سازمان بین‌المللی جهانی با صلاحیت عام را گذاشت؛ به امید آنکه بتواند صلح و امنیت را برای همگان به ارمغان آورد. به همین دلیل هم نخستین هدف این سازمان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار گرفت. بنابراین، سازمان جدید با عنوان «سازمان ملل متحد» برای نیل به اهداف خود علاوه بر ساختار اصلی خویش نیاز به ایجاد ارکان فرعی داشته، ضمن آنکه ملزم به برقراری رابطه با دیگر سازمان‌های بین‌المللی نیز است. به همین جهت هم امروزه از عنوان «نظام ملل متحد» استفاده می‌شود. این نظام شامل سازمان ملل متحد و ارکان فرعی و مؤسسات تخصصی آن است (بیگزاده، ۱۳۹۱: ۳۰۰).

برخلاف جامعه ملل که شکل‌گیری واقعی آن در پایان جنگ جهانی اول و در جریان کنفرانس صلح پاریس تحقق یافت؛ قسمت اعظم روند شکل‌گیری سازمان ملل متحد در بحبوحه جنگ دوم جهانی به وقوع پیوست و این خود از ویژگی‌های پیشینه شکل‌گیری این سازمان است. سند مؤسس سازمان ملل متحد حتی قبل از پایان رسمی جنگ دوم جهانی قطعیت یافت. این نشان از عزم راسخ دولت‌ها برای همکاری بین‌المللی در دوران پس از جنگ بود. روند تشکیل سازمان ملل متحد از سال ۱۹۴۱ آغاز و با برگزاری کنفرانس سان‌فرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ و انعقاد سند مؤسس آن، یعنی منشور ملل متحد در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، پایان یافت (بیگزاده، ۱۳۹۱: ۳۰۱).

دولت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس سان‌فرانسیسکو در کنار تصویب منشور سازمان ملل متحد بر سر ایجاد یک کمیسیون مقدماتی به‌وسیله یک موافقت‌نامه موقت^۱ نیز توافق کردند. در موافقت‌نامه موقت تصریح شده بود که از زمان امضای آن، یعنی ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، به اجرا در خواهد آمد (Arsanjani & Reisman, 2011, p. 88) که این همان تاریخ ایجاد و شروع به کار کمیسیون مقدماتی مزبور است. هدف از ایجاد این کمیسیون مهیا ساختن ترتیبات مقدماتی برای تشکیل نخستین جلسه مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی-اجتماعی و شورای قیومیت، مهیا ساختن زمینه‌های استقرار دبیرخانه سازمان ملل و زمینه‌های تشکیل دیوان بین‌المللی دادگستری بود.

کمیسیون مقدماتی شامل یک نماینده از هر یک از دولت‌های امضاکننده منشور سازمان ملل بود. وظایف و اختیارات کمیسیون مزبور در زمانی که در حال نشست نبود



توسط یک کمیته اجرایی که متشکل از چهارده عضو بود^۱، انجام می‌گرفتند. کمیته اجرایی و کمیته‌های فرعی آن با برگزاری جلساتی از آگوست تا نوامبر سال ۱۹۴۵ گزارشی شامل صورت‌جلسه و آیین کار مجمع عمومی و دیگر ارکان سازمان، فصلی درباره مسائل حقوقی و دیوان بین‌المللی دادگستری، پیشنهادهایی درخصوص دبیرخانه دائمی و مسائل مالی و بودجه‌ای و فصلی درباره رابطه سازمان ملل و مؤسسات تخصصی برای ارائه به کمیسیون مقدماتی تهیه کردند (Dougall, 1947, p. 25-26). مقرر کمیسیون مقدماتی در شهر لندن قرار داشت و کمیسیون از اختیار تدوین آیین‌نامه کاری خود و مساعدت یک دبیر اجرایی که وظایف و اختیاراتش را کمیسیون تعیین می‌کرد، برخوردار بود (Interim Agreement on Preparatory Commission of the United Nations, para. 3 & 6). هزینه‌های مالی کمیسیون مقدماتی بر عهده دولت بریتانیا قرار داشتند؛ اما امکان کسر آن‌ها از نخستین سهمیه پرداختی دولت مزبور به سازمان ملل وجود داشت. در نهایت، مأموریت کمیسیون مقدماتی سازمان ملل متحد با انتخاب دبیر کل سازمان ملل به پایان رسید و منحل شد (Schemers & Blokker, 2011, p. 1041).

۵-۲. کمیسیون مقدماتی مقام بین‌المللی بستر دریاها و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها

در چهارچوب سازمان ملل متحد، نخستین کنفرانس برای تدوین حقوق دریاها در سال ۱۹۵۸ برگزار شد که به تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو درباره حقوق دریاها منجر گردید. اما همه دولت‌ها به کنوانسیون‌های مزبور ملحق نشدند؛ به‌علاوه نارضایتی‌هایی نیز در مورد آن‌ها وجود داشت. از این‌رو، در سال ۱۹۶۰ کنفرانس دوم حقوق دریاها تشکیل شد که آن‌هم نتوانست به توفیقی دست یابد. سومین کنفرانس حقوق دریاها، بنا به درخواست کشورهای در حال توسعه که اکثر آن‌ها در تدوین کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ ژنو شرکت نداشتند و نیز براساس قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل از سال ۱۹۷۳ تا ۳۰ آوریل سال ۱۹۸۲ تشکیل شد. در آخرین روز اجلاس، کنفرانس با تدوین و تصویب یک کنوانسیون جدید در زمینه حقوق دریاها به کار خود پایان داد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۷: ۳۱۲). دولت‌های شرکت‌کننده در سومین کنفرانس سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاها در راستای به‌کارگیری از تمام اقدامات ممکن جهت تضمین شروع فعالیت مؤثر و جلوگیری از هرگونه تأخیر نابجا در تشکیل مقام

۱. کمیته اجرایی شامل نمایندگانی از دولت‌های نظیر فرانسه، انگلستان، ایران، چین، آمریکا، شوروی و ... بود. در واقع اعضای کمیته مزبور همان اعضای کمیته اجرایی کنفرانس سازمان ملل برای سازمان بین‌المللی بودند.

بین‌المللی بستر دریاها^۱ و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، در ۳۰ آوریل ۱۹۸۲ تصمیم به ایجاد یک کمیسیون مقدماتی به وسیله تصویب قطعنامه، ضمیمه شده به کنوانسیون حقوق دریاها^۲، گرفتند. مقرر شده بود که کمیسیون مقدماتی مزبور باید حداقل ۶۰ و حداکثر ۹۰ روز بعد از پنجاهمین امضا یا الحاق به کنوانسیون حقوق دریاها توسط دبیر کل سازمان ملل متحد تشکیل شود و تا زمان لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق دریاها فعالیت‌های خود را ادامه دهد (Resolution I, para.1).

اعضای کمیسیون مقدماتی، نمایندگان دولت‌هایی بودند که تا تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۴ کنوانسیون حقوق دریاها را امضا کرده یا بدان ملحق شده بودند؛ اما از ۱۵۹ دولتی دارای شرایط مقرر شده بودند؛ تنها در حدود ۸۰ دولت به‌طور معمول نمایندگان خود را روانه جلسات کمیسیون می‌کردند (Riddell-dixon, 1992:199). همچنین درحالی که نمایندگان دولت‌های امضاکننده سند نهایی کنفرانس سوم سازمان ملل درباره حقوق دریاها نیز از اختیار حضور در بحث‌های کمیسیون مقدماتی برخوردار بودند؛ باین حال، اجازه شرکت در تصمیم و رأی‌گیری‌های کمیسیون را نداشتند و از جایگاه عضو ناظر برخوردار بودند (Resolution I, para. 2). ازجمله وظایف کمیسیون مقدماتی مزبور می‌توان به آماده‌سازی صورت‌جلسه موقت نخستین نشست مجمع و شورای مقام و تهیه پیش‌نویس مقررات آیین کاری آن‌ها، ارائه پیشنهادهایی درخصوص بودجه نخستین دوره مالی مقام و رابطه آن با سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی، آغاز مطالعات و برنامه‌ریزی درخصوص تأسیس مقر مقام و ارائه پیشنهادهایی در این زمینه و اجرای اختیارات وظایف تفویض شده به آن، به‌وسیله قطعنامه II کنفرانس سوم سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاها اشاره کرد (Resolution I, para. 5). همچنین، تصریح شده بود که قواعد، مقررات و آیین‌نامه‌های تهیه شده توسط کمیسیون که ممکن است مربوط به مسائل مالی، فنی، اداری یا حقوقی باشند از زمان لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق دریاها تا زمانی که شورای مقام آن‌ها را به‌وسیله کنسensus^۳ جایگزین کند؛ به‌صورت موقت اجرا خواهند گردید (Noyes & Others, 1988, p. 81).

کمیسیون مقدماتی مزبور همچنین از اختیارات اجرایی برجسته‌ای برخوردار بود و مقرر شده بود تا زمانی که کنوانسیون حقوق دریاها لازم‌الاجرا گردد؛ وظایف مربوط به

۱. نهاد مزبور وظیفه نظارت و شرکت در اکتشاف و بهره‌برداری از منابع معدنی بستر دریاها در ماورای صلاحیت ملی دولت‌ها و تقسیم منصفانه درآمدهای مالی و سایر مزایا را دارا می‌باشد.

2. United Nations Convention on the Law of the Sea, concluded in 1982, UNTS vol. 1833, p.

3

۳. کنسensus (Consensus) به معنی تصمیم‌گیری از طریق مذاکره و مشاوره بدون رأی‌گیری و اعتراض رسمی است.



فعالیت‌های بهره‌برداری سرمایه‌گذاران پیشگام را انجام خواهد داد. نکته قابل توجه این است که در ماده ۶ قطعنامه I صریحاً مقرر شده بود که کمیسیون مقدماتی از صلاحیت حقوقی که برای انجام وظایف محول شده به آن و تحقق اهدافش ضروری است، برخوردار خواهد بود. همچنین کمیسیون مزبور، در صورت نیاز برای اجرای وظایفش اختیار ایجاد ارکان فرعی و تعیین وظایف و آیین کاری آن‌ها را نیز داشت و در همین راستا چهار کمیسیون فرعی ویژه برای رسیدگی به مسائل مختلف تشکیل داد.

در کنار بحث‌ها و مسائل پیچیده و جدل‌آمیز مربوط به مقام، کمیسیون همچنین مسئولیت مهیاسازی زمینه‌های آغاز فعالیت دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای، محکمه‌ای که دارای صلاحیت درباره تمام امور مربوط به حقوق دریاهای است را نیز بر عهده داشت. این بخش از وظایف کمیسیون اغلب به صورت منظم و بدون بحث و جدل پیش می‌رفت. برای مثال، درخصوص مسئولیت تهیه آیین دادرسی دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای که از وظایف محول شده به آن بود؛ کمیسیون از آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا^۱ راهنمایی جست. از دیگر اقدامات کمیسیون در ارتباط با مهیاسازی زمینه‌های تأسیس دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای، تدوین موافقت‌نامه مقر دیوان جهت امضا توسط دولت میزبان بود. درکل، کمیسیون مقدماتی مقام بین‌المللی بستر دریاهای و دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای به خاطر سه دلیل عمده توسط کنفرانس سوم حقوق دریاهای ایجاد شد. دلیل نخست به خاطر ایجاد مقام بین‌المللی بستر دریاهای توسط کنوانسیون حقوق دریاهای؛ دلیل دوم ایجاد دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای توسط همان کنوانسیون و دلیل سوم مربوط به اجرای رژیم سرمایه‌گذاران پیشرو و حمایت از آنان بود.

کمیسیون مزبور با تکمیل نسبتاً موفق وظایف خود قبل از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق دریاهای، از عهده مسائل بلا تکلیفی برآمد که ممکن بود کنوانسیون مزبور را بعد از لازم‌الاجرا شدن زمین‌گیر کند (Noyes & Others, 1988, p.85). همچنین، مقرر شده بود که هزینه‌های کمیسیون مقدماتی از محل بودجه سالیانه سازمان ملل متحد تحت تصویب مجمع عمومی تقبل گردند و در نهایت این که کمیسیون مزبور از زمان ایجاد تا پایان نخستین جلسه مجمع مقام به فعالیت ادامه دهد و پس از آن اموال و بایگانی‌های آن به مقام منتقل خواهند شد (Resolution I, para. 13-14).

۵-۳. کمیسیون مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی

جامعه جهانی از فردای پایان یافتن جنگ جهانی دوم، در آرزوی ایجاد یک دیوان بین‌المللی دائمی بود. دادگاه‌های نظامی نورنبرگ و توکیو که نقطه رویش نظام عدالت کیفری جهانی است؛ جرائمی که در خلال جنگ جهانی دوم توسط مغلوبان جنگ ارتکاب یافته بودند را مورد رسیدگی قرار دادند. در دهه ۹۰ میلادی و پس از پایان دوران جنگ سرد، دادگاه‌های موردی مانند دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا در نتیجه مداخله شورای امنیت ملل متحد به منصفه ظهور رسیدند. با این حال، به دلیل آنکه این دادگاه‌ها تأسیس شده بودند تا تنها جرائم ارتکاب یافته در یک منازعه خاص و در یک بازه زمانی معین را مورد رسیدگی قرار دهند؛ نیاز به وجود یک دیوان کیفری دائمی و مستقل کماکان حس می‌شد. سرانجام، در هفدهم جولای ۱۹۹۸، جامعه جهانی به یک نقطه تاریخی دوران ساز دست یافت و آن زمانی بود که ۱۲۰ دولت «اساسنامه رم» یعنی سند حقوقی مؤسس دیوان کیفری بین‌المللی را در کنفرانسی که بدین منظور برگزار شده بود، تأیید کردند (Dicker, 1999, p.471). اساسنامه رم از اول جولای سال ۲۰۰۲ متعاقب تصویب آن، توسط ۶۰ دولت لازم‌الاجرا شد. دیوان کیفری بین‌المللی نخستین دادگاه کیفری دائمی در نظام بین‌الملل است. دیوان، یک سازمان بین‌المللی است که تشکیل آن مبتنی بر یک معاهده بین‌المللی است که براساس آن دولت‌ها توافق کردند به‌منظور پایان بخشیدن به فرهنگ بی‌کیفر مانند مرتکبان شدیدترین جرائم بین‌المللی مورد اهتمام جامعه جهانی، دیوان را تأسیس نمایند.

تأسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی دائمی دارای مزایای بسیاری است؛ برای نمونه، دولت‌ها دیگر مواجه با مسائل به وجود آمده در ارتباط با صرف زمان و تلاش‌های مورد نیاز برای ایجاد محاکم موقت براساس هر قضیه، همانند دیوان‌های کیفری برای یوگسلاوی و رواندا نیستند (Malanczuk, 1997, p.360). کنفرانس دیپلماتیک برای تأسیس دیوان مزبور در شهر رم و طی ۵ هفته در سال ۱۹۹۸ برگزار شد. وظیفه کنفرانس مزبور تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بود. حجم کار مورد نیاز در جهت انجام وظیفه محول شده به میزانی بود که بسیاری دریافتند مدت کنفرانس دیپلماتیک بسیار کوتاه‌تر از آن است که همچنین اجازه بحث و بررسی عناصر جرائم، آیین دادرسی یا هر سند فرعی دیگری که برای فعالیت مناسب دیوان ضروری است را ممکن سازد. بنابراین، در کنفرانس دیپلماتیک توافق گسترده‌ای در میان شرکت‌کنندگان درخصوص نیاز به ایجاد یک کمیسیون مقدماتی بعد از اینکه اساسنامه رم تصویب گردید، به وجود

آمد (Valerie & Kirsch, 2001, p.565).



در نهایت، سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک به موضوع ایجاد یک کمیسیون مقدماتی اشاره نمود و اعلام کرد که هدف از این امر بسط و ایجاد اسناد و ترتیبات در جهت تضمین شروع به کار دیوان کیفری بین‌المللی بدون هیچ‌گونه تأخیر نابه‌جا، به محض این‌که اساسنامه رم لازم‌الاجرا گردد، است (Hall, 2000, p.733). سند نهایی کنفرانس همچنین تصریح کرد که کمیسیون مقدماتی مزبور در ماهیت موقت است و بعد از اینکه مجمع دولت‌های عضو نخستین جلسه خود را به پایان رساند؛ از ادامه فعالیت بازمی‌ایستد (Valerie & Kirsch, 2001, p.566). حکم مربوط به ایجاد کمیسیون مقدماتی در قطعنامه F به سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک رم قرار داده شده است. در آنجا تصریح شده که مشارکت در کمیسیون مقدماتی برای دولت‌های امضاکننده سند نهایی کنفرانس دیپلماتیک، به علاوه دولت‌های دعوت‌شده به کنفرانس مزبور آزاد است. همچنین این‌که کمیسیون مقدماتی موظف به ارائه پیشنویس‌هایی درباره آیین دادرسی دیوان، عناصر جرائم، موافقت‌نامه درباره ارتباط دیوان و سازمان ملل متحد، اصول حاکم بر موافقت‌نامه مقر در راستای مذاکره با دولت میزبان، قواعد و آیین‌نامه‌های مالی، موافقت‌نامه درباره مصونیت و مزایای دیوان، بودجه برای نخستین سال مالی دیوان و آیین کار اولین مجمع دولت‌های عضو است (Resolution F, para. 5). همچنین، کمیسیون مقدماتی موظف شده بود که پیشنهادهایی درخصوص جرم تجاوز شامل تعریف آن، عناصر جرم و شرایطی که تحت آن دیوان مجاز به اعمال صلاحیتش در ارتباط با این جرم است را آماده نماید و آن‌ها را به مجمع دولت‌های عضو در نخستین کنفرانس بازنگری که قرار است هفت سال پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه رم برگزار گردد، ارائه کند (Resolution F, para. 7). درحالی‌که کمیسیون در تهیه پیشنویس درباره دو موضوع بسیار مهم یعنی آیین دادرسی دیوان و عناصر جرائم و دیگر موارد درخواست شده موفق بود؛ اما در نهایت در تعریف تجاوز ناکام ماند و از آنجایی‌که جلسات آن نیز پایان یافته بود؛ مسئله تعریف تجاوز به کارگروهی ویژه درباره جنایت تجاوز واگذار شد (Trahan, 2002, p.446). در کل، کمیسیون مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی در دوره نسبتاً کوتاه فعالیت خود با تهیه پیشنویس اسناد مهمی از قبیل آیین دادرسی دیوان، عناصر جرائم، موافقت‌نامه مصونیت و مزایای دیوان، موافقت‌نامه درباره رابطه دیوان با سازمان ملل و آیین‌نامه‌های مالی دیوان که برای شروع فعالیت یک سازمان بین‌المللی، همانند دیوان کیفری مزبور حیاتی هستند؛ نقش قابل توجهی در تسریع تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی داشت.

۵-۴. کمیسیون مقدماتی سازمان معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای

با گسترش توان بالفعل و بالقوه تولید سلاح‌های هسته‌ای، برای جلوگیری از گسترش بیشتر این سلاح‌ها، منع انجام آزمایش‌های مربوط به تولید و توسعه سلاح‌های مذکور مورد توجه جدی جامعه بین‌المللی قرار گرفت. انجام آزمایش‌های مذکور پس از تحول از حالت جزئی دو و سه‌جانبه سرانجام به منع جامع چندجانبه مبدل شد. معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای^۱ (ازاین‌پس معاهده منع جامع) در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. هدف از این معاهده بین‌المللی چندجانبه نامحدود، آن است که از طریق منع انجام کلیه آزمایش‌های هسته‌ای اعم از صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز، مانع گسترش سلاح‌های هسته‌ای گردد. منع «جامع» آزمایش‌های هسته‌ای، نوآوری معاهده مذکور بوده و به معنای فسخ ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای^۲ است (ساعد، ۱۳۸۱: ۲۰۰).

براساس معاهده مزبور، هر دولت عضو متعهد می‌شود که هیچ انفجار مربوط به آزمایش سلاح هسته‌ای یا هیچ انفجار هسته‌ای دیگری انجام ندهد و وقوع هر قبیل انفجار هسته‌ای در هر مکان تحت صلاحیت یا کنترل خود را ممنوع و از آن جلوگیری کند (Manson, 2000, p.616). به‌منظور نظارت و تضمین اجرای مفاد معاهده منع جامع و انجام اقدامات لازم برای تحقق اهداف و مقاصد آن، براساس ماده ۲ معاهده مزبور سازمانی به‌نام سازمان منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای (ازاین‌پس سازمان منع جامع) پیش‌بینی شده است. این سازمان در طبقه‌بندی سازمان‌های بین‌المللی، به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی بین دولتهای جهانی جای می‌گیرد. بند ۱ ماده ۲ معاهده منع جامع در بیان ضرورت و علت تأسیس این سازمان به مواردی از قبیل حصول اطمینان از اجرای صحیح مقررات معاهده به‌ویژه مقررات مربوط به بازرسی و تأیید بین‌المللی، پایبندی به آن و ایجاد مکانی برای مشورت و همکاری میان دولت‌های عضو اشاره می‌کند (ساعد، ۱۳۷۸-۷۹: ۱۵).

از آنجاکه تأسیس سازمان منع جامع و تحقق عملی شخصیت حقوقی آن به‌عنوان یکی از موارد تصریح‌شده در معاهده، منوط به لازم‌الاجرا شدن معاهده منع جامع است و تاکنون این امر محقق نشده است؛ دبیر کل سازمان ملل، به‌عنوان امین معاهده، از دولت‌های امضاکننده درخواست کرد در نشست‌های نیویورک به‌منظور انجام مقدمات شروع فعالیت سازمان، کمیسیون مقدماتی سازمان منع جامع را ایجاد کنند. البته، مذاکرات درخصوص اسناد تأسیسی و توافق درباره کشور مقرر کمیسیون موازی با

1. Comprehensive Nuclear-Test-Ban Treaty, concluded in 1996, UN Doc. A/50/1027

2. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, concluded in 1968, UNTS vol. 729, p. 161



مراحل نهایی مذاکرات انعقاد خود معاهده منع جامع، در قالب یک قطعنامه صورت گرفته بودند. کمیسیون مقدماتی مزبور دارای دو رکن یعنی هیئت عمومی، متشکل از تمام دولت‌های امضاکننده معاهده منع جامع که خود دارای دو رکن فرعی گروه کاری A پیرامون موضوعات اداری و بودجه و گروه کاری B درخصوص موضوعات بازرسی و تأیید است و یک دبیرخانه فنی موقت است (ساعد، ۷۹-۱۳۷۸: ۱۶).

وظیفه کمیسیون مقدماتی سازمان منع جامع آماده‌سازی، زمینه‌های لازم برای اجرای مؤثر معاهده منع جامع و مهیا کردن شرایط برای برگزاری نخستین نشست کنفرانس دولت‌های عضو معاهده مزبور است (Michie, 2005, p.368). درواقع، کمیسیون فعالیت‌های خود را بر دو حوزه کلیدی متمرکز می‌کند: ایجاد رژیم جهانی تأیید^۱ در جهت کنترل پایبندی اعضا از منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای انفجاری و ترویج امضا و تصویب معاهده در راستای لازم‌الاجرا شدن سریع آن. اشاره می‌شود که معاهده منع جامع ۱۸۰ روز بعد از تصویب آن توسط تمام ۴۴ کشور دارای توانایی‌های هسته‌ای که در ضمیمه دوم معاهده فهرست شده‌اند؛ لازم‌الاجرا خواهد گردید^۲. اعضای کمیسیون، دولت‌هایی هستند که معاهده منع جامع را امضا کرده‌اند و هرکدام از آن‌ها دارای یک نماینده در جلسات کمیسیون خواهند بود. همچنین تصمیم‌گیری در کمیسیون براساس کنسensus خواهد بود. مقر کمیسیون، مقر سازمان منع جامع یعنی شهر وین است. هزینه‌های کمیسیون به‌صورت سالانه توسط دولت‌های عضو تحت شرایطی که مقرر شده است؛ پرداخت خواهد شد و دولتی که سهم خود از هزینه‌ها را ظرف یک سال از تاریخ دریافت درخواست نپردازد؛ از حق رأی در کمیسیون محروم خواهد شد (Resolution Establishing the Preparatory Commission for the CTBT, Organization, para. 2-6).

در سند تأسیس کمیسیون تصریح شده است که کمیسیون یک سازمان بین‌المللی برخوردار از اختیارات برای مذاکره و انعقاد موافقت‌نامه و دیگر صلاحیت‌های حقوقی لازم برای اجرای وظایف و تحقق اهدافش است. همچنین این‌که به کمیسیون به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی، کارمندان آن و به‌علاوه هیئت‌های دولت‌های امضاکننده باید به‌وسیله دولت میزبان، وضعیت حقوقی و مصونیت و مزایایی اعطا شود که برای انجام مستقلانه وظایفشان در ارتباط با تحقق اهداف کمیسیون ضروری است. در نهایت باید

۱. رژیم جهانی تأیید خود شامل سامانه بین‌المللی کنترل، مرکز اطلاعات بین‌المللی، بازرسی‌های در محل، فرایندهای مشاوره و توضیح و اقدامات اعتماد ساز می‌باشد.

۲. از ۴۴ کشور لیست شده در ضمیمه دوم معاهده منع جامع تاکنون ۳۶ کشور آن را تصویب کرده‌اند. ن.ک:

Arm Control Association (www.armscontrol.org/factsheets/ctbtsig)

اشاره شود که مأموریت کمیسیون پس از پایان نخستین جلسه کنفرانس دولت های عضو معاهده منع جامع پایان خواهد یافت.

نتیجه گیری

معمولاً اساسنامه یک سازمان بین المللی جدید بخشی از معاهده ای است که در یک کنفرانس بین المللی توسط دولت های شرکت کننده تصویب شده است. معاهده مزبور به طور طبیعی شرایطی از قبیل تعیین حدنصابی معین از ارائه اسناد تصویب توسط دولت ها، برای لازم الاجرا شدن خود مقرر می کند. یک سازمان بین المللی جدید زمانی متولد می شود که معاهده حاوی اساسنامه آن لازم الاجرا شده باشد. اما لازم الاجرا شدن اساسنامه ممکن است نیاز به انجام اقداماتی جهت ایجاد اعتماد و تشویق دولت ها به تصویب آن داشته باشد. از طرف دیگر، ممکن است به علت محدودیت های مرتبط با برگزاری کنفرانس های بین المللی، دولت های مؤسس قادر به مذاکره و توافق درخصوص تمام مسائل مربوط به ایجاد سازمان جدید نباشند. از این رو، دولت های مؤسس اغلب تصمیم به ایجاد یک کمیسیون مقدماتی برای فعالیت در دوره زمانی بین پایان کنفرانس تأسیسی و لازم الاجرا شدن اساسنامه جهت تکمیل امور باقی مانده مربوط به تأسیس سازمان جدید مورد نظر می گیرند. درواقع، یک کمیسیون مقدماتی یک سازمان بین المللی موقت با اعضا، ارکان و صلاحیتی محدودتر از سازمان جدیدی که قرار است در آینده ای نزدیک تأسیس گردد، است. سند مؤسس آن موافقت نامه ای فرعی نسبت به اساسنامه سازمان جدید و وظیفه وی مهیاسازی زمینه های لازم جهت تأسیس فوری و مؤثر سازمانی است که با ایجادش، کمیسیون مزبور منحل خواهد شد. با این وجود، این نهاد موقتی نقش حائز اهمیتی در تأسیس برخی از سازمان های مهم بین المللی داشته است؛ به طوری که بدون آن ممکن بود سازمان های مزبور هرگز به وجود نیایند یا تأسیس آن ها با تأخیر بسیار همراه باشد یا حتی بعد از این که متولد شدند تا مدت ها قادر به فعالیت مؤثر به دلیل نبود زمینه های عملی یا حقوقی لازم نباشند.



فهرست منابع

- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۱). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: مجد.
- زمانی، قاسم (۱۳۹۳). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ساعد، نادر (۱۳۸۱). «*معاهده و سازمان منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای: از آمیزه‌های سیاسی تا آموزه‌های حقوقی*»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۸، ۱۹۹-۲۲۷.
- ساعد، نادر (۷۹-۱۳۷۸). «*مقدمه‌ای بر معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای (CTBT)*»، سیاست دفاعی، شماره ۳۰-۲۹، ۱-۳۷.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: گنج دانش.
- فلسفی، هدایت‌الله (۷۳-۱۳۷۲). «*اجرای مقررات حقوق بین‌الملل*»، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۴-۱۳، ۹۸-۳۱.
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۳). *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

References

- Amerasinghe, C. F. (2005). Principles of the institutional law of international organizations, Cambridge University Press.
- Arsanjani, M. H. & Reisman, W. M. (2011). Provisional Application of Treaties in International Law: The Energy Charter Treaty Awards, Oxford [etc.]: Oxford University Press.
- Aust, A. (2013). Modern treaty law and practice, Cambridge University Press.
- Dicker, R. (1999). "Issues Facing the International Criminal Court's Preparatory Commission", Cornell Int'l LJ, Vol.32, No.3, 471-475.
- Dörmann, K. (2001). "Preparatory Commission for the International Criminal Court: The Elements of War Crimes: Part II: Other serious violations of the laws and customs applicable in international and non-international armed conflicts", International Review of the Red Cross, Vol.83, No.842, 461-488.
- Dougall, R. (1947). "The archives and documents of the Preparatory Commission of the United Nations", The American Archivist, Vol.10, No.1, 25-34.
- Hall, C. K. (2000). "The First Five Sessions of the UN Preparatory Commission for the International Criminal Court", The American Journal of International Law, Vol.94, No.4, 773-789.
- Kirsch, P. & Fraser, D. (1988). "The Law of the Sea Preparatory Commission after Six Years: Review and Prospects", The Canadian Yearbook of the International Law, Vol.26, 119-154.
- Malanczuk, P. (1997). Akehurst's Modern Introduction to International Law, London: Routledge.
- Mertsch, A. Q. (2012). Provisionally applied treaties: their binding force and legal nature (Vol.9), Martinus Nijhoff Publishers.
- Michie, A. (2006). "The role of provisionally applied treaties in international organizations", The Comparative and International Law Journal of Southern Africa, Vol.39, No.1, 39-56
- Noyes, J. E. Jésus, J. L. Scholz, W. S. Kimball, L. A. Kirsch, P. & de Mestral, A. (1988, April). Deep Seabed Mining: The Work of the Preparatory Commission, In Proceedings of the Annual Meeting (American Society of International Law) (pp. 80-101), The American Society of International Law.
- Portman, R. (2010). Legal Personality in International Law, Cambridge: Cambridge University Press.
- Riddell-Dixon, E. (1992). "The Preparatory Commission on the International Sea-bed Authority: New Realism", Int'l J. Estuarine & Coastal L, Vol.7, 195.
- Schemers, H. G. & Blokker, N. (2011). International Institutional Law (11nd ed), Boston: Martinus Nijhoff Publishers.
- Trahan, J. (2002). Defining Aggression: Why the Preparatory Commission for the International Criminal Court Has Faced Such a Conundrum", Loy. LA Int'l & Comp. L. Rev, Vol.24, 439.
- Valerie, O. & Kirsch, P. (2001). "The Preparatory Commission for the International Criminal Court", Fordham International Law Journal, Vol.25, No.3, 563-588.



- Warbrick, C. McGoldrick, D. Byron, C. & Turns, D. (2001). "I. The Preparatory Commission for the International Criminal Court", *International & Comparative Law Quarterly*, Vol.50, No.2, 420-435.
- Comprehensive Nuclear-Test-Ban Treaty
- Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on their Destruction
- Interim Agreement on Preparatory Commission of the United Nations
- Legal Consequences for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia, Advisory Opinions, I.C.J. Reports 1971
- Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), Judgments, I.C.J Reports 2010
- Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations, Advisory Opinions, I.C.J. Reports 1949
- Resolution Establishing the Preparatory Commission for the Comprehensive Test Ban Treaty Organization
- Resolution F annexed to Final Act of the United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court
- Resolution I annexed to Final Act of the Third United Nations Conference on the Law of the Sea
- Statute of the International Atomic Energy Agency
- Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons
- United Nations Convention on the Law of the Sea